

امیرحسین سجزی و فوائدالنفواد

علیم اشرف خان ♦

هند از دیرباز مهد تصوف و عرفان بوده است. یوگی‌های^۱ هند شهرت بسزایی را برای خود کسب کرده‌اند. ولی در راستای عرفان و تصوف که هندی‌ها علاقه خاصی بدان دارند، مشخص است که دیدگاه عرفان در هند جایگاه مخصوص داشته است. عرفای جهان بالعموم و عرفای چشتیه در هند بالخصوص قلب عموم مردم را با خدمت خلق مسخر کرده بودند. گفت‌وگوی عرفان و تصوف در هند از کتاب کشف‌المحجوب داتا گنج‌بخش لاهوری آغاز می‌گردد، ولی این هم شایسته تذکر است که شیخ معین‌الدین چشتی اجمیری (م: روز دوشنبه، ۶ رجب‌المرجّب سال ۶۲۲ ه.ق.) مرید و خلیفه‌اش حضرت خواجه قطب‌الدین بختیار کاکلی اوشی (م: ۱۴ ربیع‌الاول سال ۶۳۳ ه.ق.) مرید و خلیفه ارشد او حضرت بابا فریدالدین گنج‌شکر (م: روز سه‌شنبه ۵ محرم‌الحرام سال ۶۶۴ ه.ق.) و مرید و خلیفه‌اش خواجه خواجگان حضرت نظام‌الدین اولیا معروف به محبوب الهی (م: ۱۸ جمادی‌الآخر سال ۷۲۵ ه.ق.) خدمات شایانی در زمینه اخوت جهانی به یادگار گذاشته‌اند.

عصر حضرت نظام‌الدین اولیا از دو لحاظ مورد توجه است، یکی این که حضرت امیرخسرو دهلوی مصاحبش بود و دوّم به سببی که طوطی هند حضرت امیرحسین

♦ استاد و رئیس بخش فارسی، دانشگاه دهلی، دهلی.

۱. یوگی را می‌توان برابر مرتاض دید. یوگی‌های هند در قدیم کارهای خرق عادت انجام می‌دادند که برای عموم مردم مثل سحر بود.

سجزی جامع ملفوظات وی است. امیرحسین سجزی شاعر صاحب دیوان^۱، ادیب فاضل، عارف معروف و معاصر حضرت نظام‌الدین اولیا بود. حضرت نظام‌الدین اولیا ملفوظات خود را ذکر می‌فرمودند و امیرحسین سجزی آن فرموده‌ها را به قلم می‌نگاشت و به علتی که امیرحسین سجزی الفاظ حضرت نظام‌الدین اولیا را عیناً نوشت، به نام ملفوظات معروف شد و مجموعه ملفوظات را حسن سجزی *فوائد الفوائد* نام گذاشت.

شیخ عبدالحق محدث دهلوی در تذکره اخبارالاخیار فی اسرارالابرار راجع به امیرحسین سجزی چنین ذکر کرده است:

«او را در میان فضلالی عصر عزتی و مکافتی دیگر بود. در میان مریدان شیخ نظام‌الدین به قرب و عنایت شیخ امتیازی داشت و در حُسنِ معاملت و صفای سریرت و سایر صفات حمیده یگانه عصر بود و به اوصاف تصوّف موصوف، او را نسبت به امیر خسرو تقدّم گونه‌ای هست»^۲.

مؤرخ نامدار عهد میانه هند، ضیاء‌الدین برنی در تاریخ فیروزشاهی در باره امیرحسین سجزی چنین اظهار نظر کرده است:

«او را تألیفات نظم و نثر بسیار است، ولی شهرتش با *فوائد الفوائد* تا قیامت بادابد»^۳.

حضرت نظام‌الدین اولیا محدث، فقیه، مفسر، عالم متبحر، صوفی باصفا و انسانی کامل بود، نیز نفس گیرا داشت. او هرچه در مجالس خود از قبیل ذکر و عظم، پند و نصایح ارائه داده بود در *فوائد الفوائد* آمده است.

فوائد الفوائد دارای پنج جلد است که هر جلد مشتمل بر مجالسی به شرح ذیل است: جلد اول: متضمن بر ۳۴ مجلس از ۳ شعبان ۷۰۷ هجری الی ۲۹ ذی‌الحجه ۷۰۸ هجری (۲۸ ژانویه ۱۳۰۸ میلادی الی ۹ ژوئن ۱۳۰۹ میلادی).

۱. دیوان امیرحسین سجزی را سرکارخانم دکتر نرگس جهان تصحیح کرده‌اند که از انتشارات بخش فارسی دانشگاه دهلی است و در سال ۲۰۰۵ میلادی چاپ و منتشر شده است.
۲. *اخبارالاخیار فی اسرارالابرار*، شیخ عبدالحق محدث دهلوی، توضیح و تصحیح دکتر علیم اشرف خان، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ایران، ۱۳۸۳ ه.ش، ص ۷-۲۱۶.
۳. تاریخ فیروزشاهی، ضیاء‌الدین برنی، به تصحیح شیخ عبدالرشید، ص ۳۶.

جلد دوّم: متضمّن بر ۳۸ مجلس از ۲۹ شوال ۷۰۹ هجری قمری الی ۱۳ شوال ۷۱۲ هجری قمری (اوّل آوریل ۱۳۱۰ میلادی الی ۱۲ فوریه ۱۳۱۳ میلادی).

جلد سوّم: متضمّن بر ۱۷ مجلس از ۲۷ ذی‌القعدة ۷۱۲ هجری قمری الی ۲۱ ذی‌الحجّه ۷۱۳ هجری قمری (۲۵ مارس ۱۳۱۳ میلادی الی ۹ آوریل ۱۳۱۴ میلادی).

جلد چهارم: متضمّن بر ۶۷ مجلس از ۲۴ محرّم‌الحرام ۷۱۴ هجری قمری الی ۲۳ رجب‌المرجّب ۷۱۹ هجری قمری (۱۰ می ۱۳۱۴ میلادی الی ۹ سپتامبر ۱۳۱۹ میلادی).

جلد پنجم: متضمّن بر ۳۲ مجلس از ۲۱ شعبان ۷۱۹ هجری قمری الی ۲۰ شعبان ۷۲۲ هجری قمری (۷ اکتبر ۱۳۱۹ میلادی الی ۳ سپتامبر ۱۳۲۲ میلادی).

در باره فوائدالفوائد، جامع ملفوظات حضرت نظام‌الدین اولیا چنین نگاشته است:

«این جواهر غیبی و این زواهر لاریبی از خزانه تلقین و نهان‌خانه یقین خواجه راستین که لقب یافته، و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین ملک الفقرا و المساکین شیخ نظام‌الحق و الشرع و الهدی والدین متع الله المسلمین بطول بقائه، آمین، جمع کرده می‌آید و آنچه از آن شمع ملکوت به سمع می‌رسد، چه عین لفظ مبارک او و چه معانی آن به قدر فهم مختصر خود نبشته می‌شود و این مجموعه را چون دل‌های دردمندان از او فایده‌ها می‌گیرند فوائدالفوائد نام کرده شد. و الله المستعان و علیه التکلان».

در ضمن پوشیده داشتن احوال بزرگان در جلد اوّل خواجه خواجگان چنین بیان نموده است:

«در خطّه ناگور بزرگی بود او را حمیدالدین سؤالی گفتندی علیه‌الرحمة و الغفران، از او سؤال کردند که بعضی از مشایخ نقل می‌کنند و بعد از نقل ایشان هیچ‌کس نام ایشان نمی‌گیرد و بعضی چون نقل می‌کنند نام و صیت ایشان به اقصای عالم می‌رسد، این تفاوت احوال از کجاست؟ جواب داد: آن‌که در حالت حیات در اشتها خود کوشیده است بعد از وفات او نام و صیت او مندرس می‌شود، و آن‌که در حالت حیات، خود را پوشیده داشته است، بعد از وفات نام و صیت او به همه جهان می‌رسد»^۱.

۱. فوائدالفوائد، مجلس اوّل، ج ۱، ص ۳.

تربیت ذاتی در اخوت جهانی سهم خاصی را ایفا می‌کند، حضرت نظام‌الدین در این ضمن ارشاد فرموده است:

«لختی سخن تزکیه افتاد. بر لفظ مبارک راند که کمال مرد در چهار چیز پیدا می‌شود: قلة الطعام، قلة الكلام، قلة المنام و قلة الصحبة مع الانام»^۱.

هم‌چنین استقامت در محبت کار دشواری است. خواجه ذکراالله بالخیر در این باره ارشاد داشته است:

«آنچه اولیا بیرون می‌دهند از مستی ایشان است که ایشان اصحاب سُکرند، برخلاف انبیا که اصحاب صحواند. سنایی آن را مستی می‌گوید، یعنی چون سیر کشف‌کردی بیش درنگ نباید کرد. آن را بدین عبارت گفته:

آن جمال تو چیست مستی تو وان سپند تو چیست هستی تو

بعد از آن بر لفظ مبارک راند که مرد را کشف و کرامت، حجاب راه است، کار استقامت محبت دارد»^۲.

حضرت نظام‌الدین اولیا در تربیت عامه مردم قصه‌ای را مطرح نموده است که خرید و فروش برای تاجران معنی خاصی دارد، ولی برای خرید و فروش عرفا تأثیری دیگر دارد. خرید و فروش عرفا را از دیدگاه تعلیمات چشتیه می‌توان به شرح ذیل نگاه کرد:

«سخن در معاملات فقرا افتاد و بیع و شرا. ایشان فرمود که شیخ بدرالدین اسحق علیه‌الرحمة و الغفران یکی را شطرنجی داد و گفت این را به بازار ببر و بفروش. بعد از آن گفت که درویشانه فروشی! از او پرسیدند که درویشانه فروختن چگونه باشد؟ گفت به خانه باز نیارند، به هر بهایی بایند بفروشند»^۳.

بعد از مجلس سی و چهارم جلد اول کامل شد و حضرت امیرحسن علاء سجزی نوشته است:

۱. فوائد الفوائد، مجلس اول، ج ۱، ص ۴.

۲. همان، مجلس ۲۹، ج ۱، ص ۵-۵۴.

۳. همان، مجلس ۳۳، ج ۱، ص ۶۳.

«این بود جزوی از فوائدالغواد که در قلم آمد از استقبال اوایل شعبان سنه سبع و سبعمایه تا اواخر ذی الحجّه سنه ثمان و سبعمایه که مدت یکسال و پنج ماه باشد و دیگر اگر خدای عزّ و جل خواسته باشد آنچه از انفس نفیسه ایشان سماع افتد، هم برین نمط تحریر پیوندد. ان شاء الله تعالی بعونه و القاء حسن توفیقه»^۱.

جامع فوائدالغواد، امیرحسین علاء سجزی در آغاز جلد دوّم نگاشته است: «این صفاتِ عالیه و نفحاتِ غالیه از الفاظ مبارک و انفس متبرکه خواجه راستین قطب الاقطاب فی الارضین ختم المشایخ فی العالمین نظام الحق و الشرع و الهدی و الدّین متع الله المسلمین بطول بقائه آمین، جمع کرده می آید. هم برین منوال جزو دیگر که پیش از این تحریر یافته است و جلدشده و نام آن فوائدالغواد مقررگشته، امید که خواننده و نویسنده را جمعیت دوجہانی حاصل آید، ان شاء الله تعالی.

صحفی که جمع کرده تحفیست پیش یاران

حسن علاء سجزی یکی از امیدواران^۲

وقتی انسان دلگیر و ملول است، علاجش همین است که درس محبت را یادکند، روزی حسن سجزی همین وضع را داشت او پیش حضرت نظامالدین اولیا رفت و آنجا درس محبت را یادگرفت:

«برهمنی بود در شهری، مال بسیار داشت، مگر والی آن شهر، او را مصادره کرد و جمله مال و اسباب او بستد و او را مستأصل گردانید. بعد از این برهمن مفلس و مضطرب شده. روزی در راهی می‌رفت، دوستی او را پیش آمد و پرسید که حال تو چیست؟ برهمن گفت نیکو و خوش، آن دوست گفت که همه چیز از تو بستدند، خوشی تو از کجاست؟ گفت زُنار من با منست! بعد از تقریر معلوم می‌شود؟ گفتم آری، بنده را از استماع این حکایت استظهار باطنی

۱. فوائدالغواد، مجلس ۳۴، ج ۱، ص ۶۸.

۲. همان، مجلس اول، ج ۲، ص ۶۹.

حاصل آمد، معلوم کردم که این حکایت برای تسکین این بیچاره فرمود، یعنی از توقّف مواجب و نیافت اسباب دنیا هیچ غم نمی‌باید خورد. اگر همه جهان برود باکی نیست. محبت حق باید که برقرار باشد»^۱.

اگر انسان در دنیا می‌خواهد که اخوت جهانی را زنده نگهدارد، بر او لازم است هر که را می‌بیند از خود بهتر خیال کند و باطن‌بین باشد. در همین زمینه ذکر واقعه‌ای در *فوائد الفوائد* آمده است که یکی از بهترین تربیت‌ها برای اخوت جهانی به شمار می‌آید:

«بعد از آن گفت که هر که را دیده شود به از خود تصوّر باید کرد، اگر چه این کس مطیع باشد و آن دیگری عاصی، زیرا که شاید بود که طاعت این کس آخرین طاعت‌ها باشد و معصیت او آخرین معصیت‌ها! بعد از آن حکایت فرمود که خواجه حسن بصری نورالله مرقده می‌گفتی که من هر که را می‌دیدم، به از خود تصوّر می‌کردم. مگر یکروز از آن سزای خود دیدم، و آن چنان بود که روزی حبشی را دیدم بر لب آبی نشسته و قرابه‌ای پهلوی خود نهاده، هر زمان از آن قرابه چیزی تجرّع می‌کرد و عورتی^۲ نزدیکی او نشسته بود، در خاطر من گذشت که من باری به از اویم! هم در این بودم که کشتی در آب غرق شدن گرفت. هفت تن در آن کشتی بودند، هر هفت غرق شدن گرفتند. آن حبشی بر فور خود را در آب زد و شش تن را بیرون کشید، روی سوی من کرد و گفت ای حسن! آن یکی را تو بیرون کش. خواجه حسن گفت که من متحیر بماندم، بعد از آن مرا گفت که در این قرابه آب است و این عورت که پهلوی من نشسته است والده من است، من برای امتحان تو اینجا نشسته بودم، رو که تو مرد ظاهر بینی»^۳.

معمولاً عرفای جهان اکثراً علیه ریا و مکر و سالوس ایرادهای شدید و صحبت‌های مفیدی مطرح نموده‌اند. حضرت نظام‌الدین اولیا هم در ردیف همین عرفاست. او در

۱. *فوائد الفوائد*، مجلس ۱۰، ج ۲، ص ۴-۹۳.

۲. مراد از آن زنی است.

۳. *فوائد الفوائد*، مجلس ۲۳، ج ۲، ص ۲۰-۱۱۹.

این زمینه چنین ارشاد داشته:

«لختی سخن در باب جماعتی افتاد که روزه دارند وطی کنند و مقصود از آن
عُجْب باشد و ریا. بعد از آن این بیت بر لفظِ دُرَر بار راند:
لنگهنت^۱ گر کند تو را فربه سیر خوردن تو را ز لنگهن به!»^۲

عموم مردم جهان این کیفیت را برخوردارند که در وقت جفا تحمّل نمی‌کنند،
هم‌چنین غصّه‌خوردن هم کار دشوار به نظر می‌آید، ولی طبق گفته حضرت نظام‌الدین
اولیا، حسن سجزی فرموده‌های عارف معروف را در فوائدالفواد چنین گنجانیده است:

«بعد از آن در باب تحمّل و بردباری بسیار غلو فرمود و گفت که هرکه جفا را
تحمّل کند، بهتر از هرکه هست فرو باید خورد و در بند مکافات نباید بود. این
دو مصرع بر زبان مبارک راند:

هرکه ما را یار نبود ایزد او را یار باد و آنکه ما را رنجه دارد راحتش بسیار باد!
بعد از این بیت فرمود:

هرکه او خاری نهد در راه ما از دشمنی هرگلی کز باغ عمرش بشکند بی‌خار باد!
آنگاه فرمود که یکی خار نهد و تو هم خار نهی، این خارخار باشد! در اثنای
این کلمات فرمود که میان مردمان هم‌چنین است که با نغزان نغزی و با
کوزان کوزی، اما میان درویشان هم‌چنین است که با نغزان نغزی و با کوزان
هم نغزی!»^۳.

اکثر عرفای هند بالخصوص عرفای چشتیه حرصِ پول، مال، ثروت، ملک و دولت
را اساس بدی‌ها قرار داده‌اند. در همین زمینه امیرحسین علاء سجزی در فوائدالفواد نقل
کرده است:

۱. لنگن به فتح اول و ثالث بر وزن بهمن به معنی گرسنگی و فاقه و روزه باشد که هندوان موافق
آیین و کیش و ملت خود به جای آورند. نیز برهان قاطع در مورد «لنگن» در پاورقی آورده است:
مصحف «لنگهن» رک: لکهن. آندراج همان بیت سنایی را که در «لکهن» شاهد آورده شده، برای
لنگن هم شاهد آورده است (برهان قاطع، ج ۳، ص ۱۹۰۸).

۲. فوائدالفواد، مجلس ۳۴، ج ۲، ص ۱۴۶.

۳. همان، مجلس ۳۵، ج ۲، ص ۸-۱۴۷.

«سخن در انفاق افتاد. فرمود که هرگاه که کسی را دنیا اقبال نماید انفاق باید کرد که کم بیاید و هرگاه که روی از این کس بگرداند هم نباید داد، که چون روی به رفتن نهاد یاری مردم را به دست خود بدهد، بهتر! بعد از آن فرمود که شیخ نجیب‌الدین متوکل رحمة الله علیه این معنی را بدین عبارت گفتی که چون می‌آید، بده که کم نیاید و چون می‌رود نگاه مدار که نپاید!»^۱.

در عموم مردم شعار است که وقتی کسی را نصیحت می‌کنند رو بروی مردم می‌گویند و مردی که برایش این نصیحت گفته‌اند وی ذلیل و رسوا می‌شود، ولی حضرت نظام‌الدین اولیا برای نصیحت فرموده‌اند:

«لختی سخن در آن افتاد که اگر کسی مر کسی را نصیحت کند باید که در ملأ نکند که آن فضیحت باشد، ملامتی و نصیحتی که خواهد کرد در خلأ کند، برملأ نکند!»^۲.

حُسنِ معامله نزد عرفا دارای اهمیت زیادی است و جامع فوائد الفوائد هم حُسنِ معامله را چنین توضیح داده است:

«لختی حکایت امام اعظم ابوحنیفه کوفی افتاد رحمة الله علیه که او در ماه مبارک رمضان شصت و یک ختم کردی، یک در تراویح و سی در روز و سی در شب، بعد از آن فرمود که او چهل سال نماز بامداد با وضوی نماز خفتن گزارد. آنگاه بر لفظ مبارک راند که چندین علما و دانشمندان بوده‌اند، هیچ‌کس نداند کجا شدند و که بودند؟ این صیت که باقی ماند سبب حُسنِ معامله است و این حیات معنوی است. این را آسان نمی‌توان یافت، شبلی و جنید تا کی بوده‌اند؟ مردم هم‌چنین دانند که دی و پریروز بوده‌اند. این همه سبب حُسنِ معامله است، و الله اعلم بالصواب»^۳.

تعلیمات اساسی اسلام مکارم اخلاق را بیشتر مورد توجه قرار می‌دهد و آن را

۱. فوائد الفوائد، مجلس ۱۵، ج ۳، ص ۱۹۴.

۲. همان، مجلس ۱۷، ج ۴، ص ۲۳۷.

۳. همان، مجلس ۳۳، ج ۳، ص ۲۷۷.

می‌پسندد ولی بعضی اوقات دربارهٔ مکارم اخلاق سخن‌هایی از عرفا شنیده می‌شود که مایهٔ تعجب و شگفتی است. حضرت نظام‌الدین اولیا در این مورد واقعه‌ای را در مجلس سخن فرموده بود و امیرحسین سجزی آن را در *فوائدالْفؤاد* ثبت نموده است:

«لختی سخن در مکارم اخلاق درویشان افتاد. فرمود که شیخ ابوسعید ابی‌الخیر رحمة الله تعالی علیه و بوعلی سینا با همدیگر ملاقات کردند. چون از یکدیگر جدا شدند. بوعلی صوفی را که ملازم خدمت شیخ بود، بر راه کرد که چون من از خدمت شیخ بازگردم هرچه شیخ در باب من گوید بر من بنویسی. چون بوعلی بازگشت شیخ ابوسعید ابی‌الخیر رحمة الله علیه هیچ ذکر او بر زبان نراند، نه به نیکی و نه به بدی. چون آن صوفی هیچ ذکر او نشنید یک روز از خدمت شیخ سؤال کرد که بوعلی سینا چگونه مردی است؟ شیخ فرمود که مردی حکیم و طیب و بسیار علم دارد، اما مکارم اخلاق ندارد. صوفی صورت این حال بر بوعلی سینا نوشت. بوعلی از آنجا به خدمت شیخ چیزی در قلم آورد و این معنی هم نوشت که من چندین کتاب در مکارم اخلاق نبشته‌ام. شیخ چرا باید که بگوید که فلان مکارم اخلاق ندارد؟ شیخ تبسم فرمود و گفت که من نگفته‌ام که بوعلی سینا مکارم اخلاق نداند، بل گفته‌ام که ندارد!»^۱

پیش صوفیان و عرفا، نان دادن به گرسنگان یکی از بهترین عبادات است. واقعاً همین کار اخوت جهانی را خاطر نشان می‌سازد. حضرت نظام‌الدین اولیا دربارهٔ نان دادن به گرسنگان می‌فرماید:

«بعد از آن حکایت مهتر ابراهیم فرمود صلوات الله و سلامه علیه که او طعام نخوردی مگر مع الضیف تا روزی مُشرکی مهمان او شد، مهتر ابراهیم چون دید که او بیگانه است او را طعام نداد، فرمان رسید که ای ابراهیم ما او را جان می‌توانیم داد، تو نان نمی‌توانی داد!»^۲

بعد از مجلس شصت و هفتم، جلد چهارم تکمیل می‌گردد و حسن علاء سجزی

۱. *فوائدالْفؤاد*، مجلس ۴۶، ج ۴، ص ۲-۳۲۱.

۲. همان، مجلس ۵۸، ج ۴، ص ۳۴۹.

نوشته است:

«تمام شد دیباچه چهارم از کتاب *فوائد الفوائد* بعون الله و حسن توفیقه.
 ختم شد این صحف صدق و صفا که از او جان حسن راست طرب
 در سه‌شنبه دوم از ماه شوال هفصد و نوزده تاریخ عرب
 از آنگاه بار که این کلمات را بدایت کرده شد تا امروز که به نهایت رسیده
 است. راست دوازده ماه است در نظر صرافان وقت داشته آمد. امید که سکه
 دل‌ها را به مهر ایمان عیاری کامل و رواجی تمام حاصل آید. ان‌شاءالله تعالی
 و الله اعلم بالصواب!»^۱.

مولانا جلال‌الدین رومی گفته است:

ما برای وصل کردن آمدیم نی برای فصل کردن آمدیم

همین درس و پیغام که برای اخوت جهانی کلید اساسی است، بازگشت آن در
 مجالس حضرت نظام‌الدین اولیا هم بگوش می‌رسد:

«لختی سخن در آن افتاد که خلقی پیش بزرگان اسلامی و خدمتی که می‌آرند
 چه بهتر؟ در این معنی حکایت فرمود که به خدمت شیخ‌الاسلام فریدالدین
 قدس‌الله سرّه العزیز کاردی خدمتی آورد، شیخ آن کارد بدو باز داد و گفت بر
 من کارد میارید، سوزن آرید، که کارد آلت قطع است و سوزن آلت پیوند»^۲.
 عفو و درگذر هم پیش عرفا کم‌تر از عبادت نیست، که نقش تربیت و اخوت
 جهانی را از منابع قرآن و احادیث نبوی گرفته است و اکثر صوفیان آن را عملاً به کار
 برده‌اند. حضرت نظام‌الدین اولیا در *فوائد الفوائد* چنین ارشاد می‌فرماید:

«سخن در اخلاق درویشان افتاد و معامله ایشان با اهل خصومت، فرمود که
 بادشاهی بود که او را تارانی می‌گفتند. مگر او را به غوغایی بکشتند و این
 تارانی را با شیخ سیف‌الدین باخرزی رحمة الله علیه محبتی عظیم بود، بعد از
 آنکه او گشته شد دیگری را بادشاه کردند. این بادشاه که به جای پیشینه نشسته

۱. *فوائد الفوائد*، مجلس ۶۷، ج ۴، ص ۳۶۸.

۲. همان، مجلس ۵، ج ۵، ص ۳۸۴.

بود منجمی ساعی با او مقرب شد و آن ساعی با شیخ سیف‌الدین خصومت داشت. چون ساعی را در محل سخنی شد با بادشاه گفت اگر می‌خواهی که ملک بر تو مقرر باشد، شیخ سیف‌الدین را از میان برگیر که همه تبدیل و تحویل ملک‌ها از او می‌شود. بعد از استماع این کلمات بادشاه همان ساعی را گفت که هم تو برو و هرگونه که دانی شیخ را بیار، ساعی برفت و شیخ سیف‌الدین را پیش بُرد. مگر بی‌ادبانه بُرد و دستار در گردن کرده پا به استخفاف دیگر، الغرض چون شیخ سیف‌الدین رحمة الله علیه درآمد همین که نظر بادشاه بر او افتاد تا او را چه نمودند در حال از تخت فرود آمد و با معذرت بسیار دست و پای شیخ را بوسیدن گرفت. اسپ و خدمتی دیگر بسیار پیش آورد و عذرها خواست و گفت من هم‌چنان آوردن نگفته بودم، فی‌الجمله شیخ از پیش پادشاه بازگشت و به خانه آمد. دوّم روز آن بادشاه آن ساعی را دست و پا بسته به خدمت شیخ فرستاد و گفت من حکم کرده‌ام که این ساعی کشتنی است، اکنون او را بر تو فرستاده‌ام هر نوع که تو را خوش آید بکش. شیخ چون ساعی را بدید در حال دست و پای او بازکرد و جامه‌ای که خود پوشیده بود او را پوشانید و گفت امروز برابر من در تذکیر بیا. آن روز دوشنبه، به وعده تذکیر شیخ در مسجد درآمد و این ساعی را برابر خود آورد. آنگاه بالای منبر رفت و این بیت گفت:

آنان‌که به جای من بدی‌ها کردند گر دست دهد به جز نکویی نکنم^۱

جلد پنجم بعد از مجلس سی و دوم تمام می‌شود و امیرحسین علا سجزی درباره تکمیل فوائدالغواد نوشته است:

«این بود مشک مشام روحانیان که در مدت سه‌سال جمع کرده آمد، بعد از ترتیب فوائد پیشینه که آن در مدت دوازده سال تمام شده است. این هردو نسخه مجموع پانزده سال است. اگر بعد از این چندگاه گوهرجان را در صدف سینه قراری باشد ذره‌ایی که از آن دریای رحمت به دست آیند در سلک کَلک

۱. فوائدالغواد، مجلس ۲۱، ج ۵، ص ۲۰-۴۱۹.

کشیده شوند و بنده از آن جواهر مایه‌دار شود. ان شاء الله تعالی.
 چون به هفصد فزود بیست و دو سال بیستم روز از مه شعبان
 از اشارات خواجه جمع آمد ابن بشارت ده فتوح جهان
 شیخ ما چون محمد آمد نام حسن اندر ثنای او حسان
 تمام شد. الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله و
 اصحابه اجمعین»^۱.

اکثراً عرفای چشتیه نه تنها برای اصلاح اخلاق مردم کوشیده بودند بلکه در افکار و کردار آنها سهم هم بوده‌اند. حُبّ دنیا و حرص مال و ثروت را اساس بدی‌ها می‌شمردند. مریدان و پیروان نیز علاقه‌مندان را برای شناخت حلال از حرام، صدق از کذب و صواب از ناصواب تعلیم می‌دادند و مردم عامی را در راه حق و درست رهنمونی می‌کردند. حتی آنها نمازگزاردن را کار بیوه‌زنان، روزه‌گرفتن را صرفه‌نانه، حج را کاری کاران می‌شمردند و قایل بر این بودند که دلی دریاب که کار آن است و حج اکبر است.

اگر کسی این چنین تعلیمات را برای عموم مردم ارائه دهد، بدون شک در اخوت جهانی سهم است. احوال‌پرسی هم‌سایه‌گان و نیکوکاری در حق آنها احساسات دوستی، رفاقت، صمیمت و مدارا تفکراتی بوده است که رسن اخوت جهانی را مستحکم‌تر و قوی‌تر ساخته است.

حضرت بابا فریدالدین گنج شکر عارفی بود که درس محبت، بشردوستی، اخوت، مؤدّت و خدمت خلق را به دیگران می‌آموخت. نیز جوگیان هندو نیز برای کسب فیض پیش او می‌آمدند. یکی از تأثیرات وی آن بود که با همین اعمال اخوت جهانی در بین غیرمسلمانان شایع شد. این هم سهم وی است که پیشوایان مذهب سیک مخصوصاً گرونانک را تحت تأثیر خود آورد که بعضی از منظومه‌های او در کتاب مقدس سیک‌ها به نام گروگرنته صاحب مندرج شده است.

پس در آخر می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بیزاری از علایق دنیا، آزادی غلامان و

۱. فوائد الفوائد، مجلس ۳۲، ج ۵، ص ۱۰۶۴.

کنیزان، ترکِ دنیا، گوشه‌نشینی، خلق‌پروری، تقوی، پارسایی، پرهیزگاری، اخلاص، نیکوکاری، وسعت قلب، خدمت خلق، مکارم اخلاق، پاکیزگی ظاهر و باطن، عفت نفس، عفو و گذشت، محبت و مؤدّت، حلم و تواضع، انکساری و راستبازی احساسات و افکار عرفای هند بالخصوص چشتیه بود که بر اخوت جهانی تأثیرات مثبتی گذاشته‌اند و از این رو در اخوت جهانی سهمیم بوده‌اند.

منابع

۱. اخبارالاخیار فی اسرارالابرار، شیخ عبدالحق محدّث دهلوی، تصحیح و توضیح دکتر علیم اشرف خان، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ایران، ۱۳۸۳ش.
۲. برهان قاطع، محمّد حسین بن خلف تبریزی متخلّص به برهان، به اهتمام دکتر محمّد معین، امیرکبیر، تهران، ۱۳۹۲ش.
۳. تاریخ فیروزشاهی، ضیاءالدین برنی، به تصحیح شیخ عبدالرشید، علی‌گره، اترپرداش، ۱۹۵۷م.
۴. فوائدالفواد، (ملفوظات حضرت نظام‌الدین اولیا) جامع حضرت امیر حسن علاء سجزی دهلوی، متن فارسی با ترجمه اردو خواجه حسن ثانی نظامی دهلوی، اکادمی اردو، دهلی، ۱۹۹۰م.

